

نقش فیل و خبکهای ایران باستان

چندی پیش در یکی از روزنامه‌های عصر مطلبی به این مضمون خواندم :

« ویت کنگها در جنگها گاهگاهی از فیل استفاده میکنند و آلات و ادوات رزمی خود را بوسیله این حیوان در جنگهای انبوه ویتنام حمل و نقل مینمایند. » این موضوع نگارنده را به فکر انداخت که بار دیگر نظری به تاریخ ایران باستان بیفکنم تا ببینم در جنگهای گذشته ما، از چه زمانی این حیوان کوه پیکر و پر هیبت مورد استفاده قرار گرفته و چه نقشی را در صحنه‌های پیکار ایفاء کرده است. این تصمیم صورت تحقق بخود گرفت. ولی هر چه گشتم کمتر یافتم.

تقدم

علاءالدین آذری

(دکتر و تاریخ)

در جنگ‌های متعدد کورش کبیر بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران از اسب و شتر و ارابه‌های داسدار و گردونه‌های جنگی خبر بود ولی از فیل خبری نبود. همچنین در لشکر کشی‌های داریوش بزرگ و خشایارشا فاتح آتن نامی از پیلان جنگی برده نشده بود. بهر حال با وجودیکه برخی معتقدند که پیروزی‌های ایرانیان در صفحات غربی هند و نیز در آفریقا (در حبشه یا اتیوپی) استفاده از پیلان را در ارتش ایران معمول نموده است معذک همانطور که اشاره شد تا اواخر دوره هخامنشی از وجود پیل در سپاه ایران اطلاع صحیحی در دست نیست و مورخان بیگانه که اکثراً یونانی بودند به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند اکنون بی‌مورد نیست قبل از بحث درباره ارزش جنگی حیوان مزبور و مطالب مربوط به آن اجمالاً در خصوص زندگی و زادگاه فیل مطالبی از قول مسعودی که صفحاتی از کتاب خود را به بحث درباره این حیوان اختصاص داده است در اینجا ذکر نمایم.^۱

«فیل جزبه سرزمین زنگ و هند نژاید و دندان آن به سرزمین هندوسند باندازه زنگ بزرگ نشود، زنگان و هندوان از پوست فیل سپر سازند و سپر چینی و تبتی و لمطی و بجاوی و سپر هائی که در شیر بخوابانند و دیگر اقسام سپر بمحکمی آن نباشد ...»

خرطوم بینی فیل است و بسه وسیله آن غذا و آشامیدنی بدهان رساند و ترکیب آن مابین غضروف و گوشت و پی باشد و با آن جنگ کند و ضربت زند و از آنجا بانگ زند.

هندوان پندارند اگر زبان فیل وارونه نبود زبان باومیآ موختند. شاه فیلان شاه هند است که او را پادشاه حکمت نیز اسم است که اصل حکمت از هندوان است... باوجود درشتی هیکل و بزرگی اندام چون بنزدیک انسان گذرد راه رفتن آن احساس نشود تا مقابل او رسد که قدم نیک بر میدارد و رفتار ملایم دارد.

۱- رک به کتاب مروج الذهب ج اول ص ۳۷۲ تا ۳۷۵ ترجمه ابوالقاسم پاینده.

از شاهان ایران نقل کرده‌اند که فیلان جنگی را به وسیله پیاگان از نیرنگ دشمن که ممکن بود گربه‌ای جانب او را کند^۲ حفظ میکردند. ابن خلدون درباره استفاده رزمی فیل گوید:^۳ «... و از جمله شیوه‌های جنگ آورانی که به جنگ و گریز دست میبازند ایجاد رزمگاهها و صفوفی در پشت لشکریان از جمادات و جانوران است و آنها را بمنزله پناهگاهی برای سواران هنگام جنگ و گریز قرار میدهند و منظور آنان از این شیوه این است که جنگاوران پایدار تر باشند و جنگرا بیشتر ادامه دهند و به غلبه بردشمن نزدیک تر شوند و گاهی هم این شیوه را در جنگهای منظم به کار میبرند تا پایداری و سرسختی لشکریان فزونی یابد چنانکه ایرانیان که همواره به جنگ و لشکر کشی منظم دست میبازیدند در جنگها از فیل استفاده میکردند و بر پشت آنها برجهایی چوبین و کوشک مانند ترتیب میدادند و آنها را از جنگ آوران و سلاح‌های گوناگون و بندها (رایات) مملو میساختند و صفوفی از آنها در دنبال نبرد گاه تشکیل میدادند که بمنزله دژها و استحکامات نیز بشمار میرفت و به سبب آنها روحیه سپاهیان تقویت میشد و بر پشتگرمی و اعتماد آنان میافزود...»

اکنون درباره جنگی صحبت میکنیم که در آن به قول مورخان یونانی از فیلان جنگی استفاده شده است: جنگ گوگمل یا گوگامل^۴ (نزدیک موصل کنونی). اسکندر مقدونی جوان مغرور و جاه طلبی که برای ارضای امیال

۲- مؤلف معتقد است که فیل از گربه میترسد!

۳- ریک به مقدمه ابن خلدون تألیف عبدالرحمن بن خلدون ترجمه محمد پروین گنابادی ج اول ص ۵۴۱-۵۴۰.

۴- Gaugameles اما آخرین نبرد بزرگ بین داریوش و اسکندر به خلاف مشهور در آربل اتفاق نیفتاد بلکه در گویامل Gauyameles روی داد. این لغت علی المشهور در لغت ایرانی «شترخانه» گویند چون یکی از شاهان قدیم ایران از دست خصم خویش بدان محل پناه برد و مالک آن قسمت، تیول چند قصبه را خاص مخارج سلطان قرارداد. ریک به کتاب حیات مردان نامی اثر یلو تارک؛ ترجمه محمد رضا مشایخی ج ۳ ص ۴۴۶-۴۴۵ بند ۵۷.

ماجرای جویانه خود به شاهنشاهی وسیع و متمدن هخامنشی تاخته بود در آخرین نبرد بزرگ خود با داریوش سوم در محل گوگامل با سپاه عظیمی روبرو شد که تا آن زمان ندیده بود. مورخان تعداد افراد آنرا بیش از یک میلیون نفر نوشته‌اند این جنگ از جنگ‌های قطعی تاریخ بود شاهنشاه هخامنشی کلیه قوای خود را برای نابودی مهاجم پلید بسیج کرده بود ارابه‌های داسدار و پیلان جنگی برای نبرد از پیش تدارک شده بود.

« در قلب، داریوش با تمام خانواده و نجبای ایران قرار گرفته بود و هندی‌ها و کاریان و آناپاست‌ها و تیراندازان مرد (آماردها) در اطراف او بودند. او کسبان و بابلیها و سسی تا کنین و مردمان سواحل بحر احمر در صف دیگر از پس صف مذکور جاداشتند. داریوش جناح چپ خود را در مقابل جناح راست اسکندر با سوار نظام سکائی و هزار سوار باختری و صد ارابه داسدار تقویت کرده بود و پنجاه ارابه دیگر با سواره نظام ارمنی، کاپادوکی در جلوی جناح راست جا داشت، این عده با ارابه‌های داسدار و نیزه‌ها قلب را میپوشاند... »

برش این داسها چنان سریع بود که دیودور گوید وقتی که سرهای سپاهیان مقدونی بزمین میافتاد چشمهای آنان باز بود و تغییری در وجنات آنان در وهله اول دیده نمیشد. (کتاب ۱۷ بند ۵۸)°.

آریان مورخ یونانی تعداد پیلان جنگی قوای داریوش را که در جنگ گوگامل شرکت کرده بودند پانزده زنجیر ذکر کرده ولی نقشی را که این حیوان در جنگ ایفا کرده است بیان ننموده است لازم بتذکر است که مراقبت و هدایت پیلان جنگی که بر روی آنها اطاقک‌های چوبی قرار میدادند و تیراندازان را در آن مستقر میساختند کار آسانی نبود. هر گاه فیلی در جنگ مجروح میشد امکان داشت که روی از دشمن بر تافته و نیروی خودی را لگدمال و تار و مار سازد. نظایر این جریان بکرات در جنگهای قدیم اتفاق افتاده است. ضمناً در

۵- رک به کتاب ایران باستان تألیف شادروان حسن پیرنیا مشیرالدوله ص ۱۳۸۷.

جنگ‌ها معمولاً فیل‌ها را در عقب صف‌ها قرار میدادند و گاهی هم برای اینکه اسب‌های سوار نظام دشمن را بوحشت اندازند آنها را در مقدم سپاه و روی صف حریف مستقر می‌ساختند ...

در کتاب ایران‌شهر تعدادی بلان جنگی قوای داریوش را در جنگ گوگمل^{۵۰} زنجیر ذکر کرده و در این خصوص مینویسد^{۵۱} در همین جنگ ۵۰ فیل جنگی در اردوی داریوش سوم وجود داشته است که موجب هراس و واهمه مقدونیان گردیده و از قرار معلوم استفاده از فیل در جنگ از موقع تسلط ایران بر حبشه و افریقای شمالی و هندوستان غربی در ارتش ایران معمول شده است.

با وجودیکه ایرانیان در آغاز پیروز بودند ولی بعات رهبری غلط و علل دیگر که ذکر آن در اینجا ضرورت ندارد موقیبتی نیافتند (۳۳۱ ق م).

اشکانیان که قریب ۷۵ سال در ایران زمین شهر یاری کرده‌اند در جنگ‌های خود از فیل استفاده نمی‌کردند و محتملاً آنرا حیوانی میدانستند که در جنگ‌ها ضرر آن بیش از نفع آن بوده است. از بین حیوانات اهلی نخست به اسب و پس از آن به شتر برای جنگ و ستیز و سواری علاقه‌مند بودند ...

در دوره ساسانیان (۲۲۶-۶۵۲ م) پیلان را در جنگ بکار می‌گرفتند و در این زمان که آداب و سنن قدیمی ایرانیان احیا شده بود صنف ورسته فیلسواران در ارتش ایران ایجاد گردید. شادروان سعید نفیسی مینویسد^۷ «... و منصب زندک یا ژندک^۸ بذا که فوستوس بیزنطی^۸ ضبط کرده و گوید بمعنی رئیس فیلبانان جنگی است و پیداست که این کلمه از ژندک یا ژندک ترکیب شده که در زبان امروز زنده یا ژنده و زنده پیل یا ژنده پیل میگویند...» همین نویسنده در جای دیگر مینویسد (ص ۲۲) «فیل‌هایی که از هندوستان آورده بودند ذخیره سپاه را تشکیل میداد و این حیوان سپاه روم را همواره هراسان میکرد این فیل‌ها

۶ - ایران‌شهر ج ۲ ص ۱۰۸۲

۷ - ر. ک. بتاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۲۹۳

۸ - ازاهالی بیزانس (امپراطوری روم شرقی)

منجیق‌های بلندی از چوبرا میکشیدند که عده‌ای بسیار از سربازان در آن جای می‌گرفتند و آن منجیق را بابیرقهای بسیارزینت کرده بودند هنگام جنگ این منجیق‌ها در عقب سپاه بصف نگاه میداشتند تا آنکه سپاه پشتیبان داشته باشد. « شهر یاران ساسانی از اقوام و ملل تابعه خود باج و خراج می‌گرفتند و گاهی در میان خراج و پیشکشهای ملل شرقی شاهنشاهی ایران چندین زنجیر فیل نیز دیده میشد بقول مؤلف کتاب ایران باستان^۹ اردشیر بانی سلسله ساسانی پس از تسخیر خراسان و باختر و خوارزم و توران بهند رفت و پنجاب را تسخیر کرد و بنزدیکی سیر هند رسید و پادشاه آن (جونه) جواهرات و طلا و فیلهای زیاد باردشیر بعنوان باج داد در ارتش شاپور دوم (ذوالا کتاف ۳۱۰-۳۷۹ میلادی) شاهنشاه بزرگ سلسله ساسانی پیلان جنگی که راهنمائی آنها باهندیان بود به تعداد زیاد وجود داشته است شاهد این مدعا محاصره قلعه آمد (آمد ا ۱۰ دیار بکر) به وسیله شهر یار مزبور است.

آمینوس مارسلینوس^{۱۱} مورخ و افسر رومی که شاهد جنگ ایرانیان برای تسخیر آمد از دست رومیان بود مینویسد: «ایرانیان همه حصار را احاطه کردند جانب شرق قلعه یعنی همانجا که از بدبختی ما آن جوان کشته شده بود^{۱۲} به حیونی‌ها سپرده شد و رت‌ها^{۱۳} ما مور سمت جنوب شدند. آلبانی‌ها طرف شمال را گرفتند و سگستانیان که در غیرت و همیت جنگی مانند ندارند در برابر دروازه غربی استقرار یافتند با این طایفه قطارها از پیلان زشت منظر بایوست‌های پر چین و شکن که مردمان مسلح بر آن نشسته بودند آهسته پیش می‌آمدند چنانکه غالباً گفته‌ام منظره وحشتناک‌تر از این نمیتوان تصور کرد.» در جای دیگر گوید:

۹ - شادروان حسن پیرنیا (مشیرالدوله)

10- Amida

11- Ameniem-Marcellin

۱۲ - گرومبات یا گرومبیات پادشاه حیونی‌ها (هون‌ها) و پسرش در خدمت شاپور ذوالا کتاف بودند. در محاصره قلعه آمد پسر گرومبات به هلاکت رسید.

13- Vertes

(بند اول کتاب ۱۹) «رویت هیولای فیل‌های جنگی ایران قلب‌ها را از کار می‌انداخت و مخصوصاً صدای این حیوان مهیب و بوی آنها باعث وحشت و رم کردن اسب‌های مامیشد». عاقبت ایرانیان پس از تکمیل وسائل محاصره در نهایت سختی به شهر حمله بردند. روز اول از جنگ نتیجه‌ای گرفته نشد و روز بعد ایرانیان مجدداً با پیل‌های خود پیش آمدند و در میان برج‌های محاصره اویران نمودند و با افکندن سنگ‌ها از عقرب‌های جنگی خود منجنیق‌های دشمن را خراب می‌کردند و به وسیله مشعل پیل‌ها را می‌گریزانند...»

مؤلف کتاب جنگ‌های هفتصد ساله ایران و روم^{۱۴} مطالب جالبی درباره فیل و نقش آن در جنگ‌های ایران و روم در کتاب خود ذکر کرده است: «صنف تازه‌ای که در زمان ساسانیان به وجود آمد صنف پیل سواران بود که تقریباً جانشین گردونه‌های بزرگ دوره هخامنشیان محسوب می‌شد... تعداد فیل‌هایی که ارتش ایران در جنگ با رومیها بکار می‌برده از دزیست تا هفتصد زنجیر می‌رسیده... ایرانیان در جنگ به اندازه‌ای علاقمند به حضور فیل‌ها بودند که بعضی اوقات در نبردهای کوهستانی هم فیل‌ها را با خود می‌بردند و برای این منظور پیش از وقت مجبور می‌شدند راه را مسطح و هموار کنند... در موقع محاصره شهرها هم از وجود فیل‌ها استفاده می‌نمودند.»

محاصره و فتح شهر آمد برای ارتش ایران بسهولت انجام‌شد و تلفات و ضایعات بسیار بهار آورد «محاصره این شهر مستحکم برای شاپور خیلی گران تمام شد زیرا چندین مرتبه بارشیدترین نفرات خود و بکمک طوایف سلحشور خیونی و البانی و فیل‌های جنگی به حصار این شهر حمله نمود و موفقیت نیافت»^{۱۵}. شاپور ذوالاکتاف در محاصره شهر نصیبین نیز از پیل‌های جنگی استفاده

۱۴ - شادروان سر لشکر غلامحسین مقتدر ص ۱۶۹-۱۶۸ (هنکام تألیف کتاب درجه سرهنگی داشته است)

۱۵ - رك به کتاب ایران در زمان ساسانیان تألیف پروفسمور آرتور کریستن سن ترجمه رشید یاسمی ص ۸۹

کرده بود ولی بعلمت هجوم قبایل خیون از محاصره دست برداشت. در باره بهرام پنجم یا بهرام گور (۴۳۹-۴۲۰) که پادشاهی خوشگذران و در عین حال دلیر و با کفایت و بقول طبری و دیگران پیل افکن نیز بود استانه‌ها گفته‌اند. طبری گوید^{۱۶} که بهرام بطور ناشناس به هند رفته و در آنجا شجاعتها از خود بمنصه ظهور رسانیده و پیل عظیمی را که آفت مردمان آن سامان بوده بهلاکت آورده و پس از ازدواج با دختر پادشاه هند با ایران باز گشته است... بلعمی در ترجمه تاریخ طبری که خود بر آن مطالبی افزوده است در مورد از پای درآمدن پیل عظیم هندی چنین نوشته است: «ملك مردی از آن خویش با او بفرستاد تاخبر بیاورد، پیل آهنگ او کسرد بهرام یک تیر بزد در بمیان دو چشمش آن تیر ناپدید شد و پیل بدان تیر مشغول شد بهرام پیاده شد و بدو دست خرطوم پیل بگرفت و فرو کشید تا پیل به روی در افتاد و بهرام شمشیر بگردن او زد تا سرش از تن جدا کرد و سرش با خرطوم بر گرفت و بر گردن نهاد و از مرغزار بیرون آورد بیره بیفکند و خلاق همی نگریستند و عجب همی داشتند...»^{۱۷}

فیروز پادشاه ساسانی (۴۵۸ - ۴۸۳) برای مبارزه با دشمن سرسخت خود خشنواز (اخشنوار) پادشاه هیاطله (هیطال - هون - یفتال) که بعدا موجب مرگ شهریار ساسانی را فراهم ساخت با قشون زیاد و پانصد زنجیر فیل عازم بلخ شد و با پادشاه یفتال بجنگ پرداخت...

خسرو انوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۹) برای کمک به سیف بن ذی یزن امیر یمن که سرزمین او را همیشه اشغال کرده بودند و هرز یا وهریز دیلمی را که مردی کهنسال و از نجبای زمان خود بود و در زندان بسر میبرد مأمور فتح یمن کرد^{۱۸} وقتی قوای معدود ایرانی بوسیله کشتی به یمن رسیدند و از آن

۱۶- تاریخ الطبری القسم الاول ۲ ص ۸۶۶ تا ۸۶۸.

۱۷- ص ۹۴۷ تا ۹۴۵.

۱۸- کسری سپاهی از زندانیان به فرماندهی وهرز پسر کامجار (کامگار) بدان سوی فرستاد وهرز مردی سالخورده و متجاوز از صدسال عمر کرده و از سواران دلیر و از بزرگان واعیان بود که در اثر ایجاد ناامنی در راهها به فرمان خسرو زندانی شده بود. نقل از کتاب اخبار الطونل تألیف ابوحنیفه ابن- داود دینوری ترجمه صادق نشات ص ۶۸-۶۷.

بساحل فرود آمدند مسروق بن ابرهه امیر حبشی یمن سوار بر پیل در رأس قوای خود آماده پیکار با ایرانیان شد بلعمی در این خصوص مینویسد^{۱۹} «وهرز یاران را بفرمود تا صف بر کشیدند و کمانها به زه کردند و کمانوی جزوی کس نتوانستی کشیدن و به زه کرد و عصابه بخواست و ابروان بر پیشانی بست و چشمش ضعیف شده بود. ایشان را گفت ملك را از دور بمن نمایشید گفتند آنکه بر پیل نشسته است و تاج زرین بر سر نهاده است چون خودی و بر میان تاج میان پیشانی ملك یاقوتی است سرخ همی تابد چون آفتاب. وهرز آن یاقوت از دور بدید گفتا صبر کنید که پیل هر کب ملوک است تا از وی فرود آید، زمانی بود، گفتند از پیل فرود آمد و بر اسب نشست گفت اسب هر کب عزت است. زمانی ببود از اسب فرود آمد و بر استری زمینی نشست گفت اکنون کمان مرا دهید که استر پسر خراسان و خر هر کب ذل است کمان بر گرفت و تیر بر نهاد و گفتا قبضه کمان من برابر آن یاقوت کنید که بر پیشانی اوست بتاج اندر، چون من تیر بیندازم و سپاه از جای نجنبید دانید که تیر من خطا کرد و نیافت، شما نیز از جای نجنبید و تیری دیگر سبک مرا دهید و اگر ایشان از جای بجنبند و گرد وی آیند بدانید که تیر یافت و ایشان بدو مشغول شدند شما تیر باران کنید پس حمله کنید. پس دست او برابر یاقوت بنهادند و او کمان بکشید به نیروی تمام و تیر بینداخت و آن تیر راست بر آن یاقوت زد و بدو نیم شد و بتاج اندر شد و پیشانی ملك اندر یافت و به سرش بگذشت و مسروق بیفتاد و سپاه از جای جنبیدند و گرد وی اندر آمدند و سپاه عجم تیر باران کردند و خلقی به تیر بزدند و سپاه از جای اندر آمدند و سپاه حبشه هزیمت شد».

خسر و پرویز شاهنشاه ساسانی (۵۹۰ - ۶۲۸) که برای مدت کوتاهی توانسته بود وسعت ایران را بدو رة هخامنشیان برساند سرانجام بعلت خبطها و اشتباهات متعدد خود از هرا کلیوس امپراطور بیزانس (بوزنطیه) شکست یافت

۱۹- رك به تاریخ بلعمی ص ۱۰۳۳-۱۰۳۲.

در یکی از این جنگها برای دفاع از پایتخت (تیسفون) از وجود پیلان جنگی استفاده کرد و بدینوسیله توانست از پیشرفت سریع رومیان بسوی شهر مزبور جلوگیری بعمل آورد. این پادشاه که از نظر شکوه و جلال دربار و وجود نوازندگان و رامشگران بزرگ و داشتن زنان و کنیزکان زیبا شهرت بسیار دارد در اصطبل خود تعداد بسیاری از حیوانات مانند فیل و اسب گرد آورده بود. مؤلف مروج الذهب در این باره گفته است: «در اصطبل پرویز پنجساز هزار حیوان بود به تعداد اسبان سواری زین‌های طلا مروارید و جواهر نشان داشت در اصطبل وی هزار فیل بود ۲۱ که یکی سفیدتر از برف بود و یک فیل بود که دوازده ذراع بلندی داشت. فیل جنگی به این بلندی بندرت یافت شود که بیشتر فیلها از نه تا ده ذراع باشند ملوک هند فیل‌های تنومند و بلند را بهای گزاف دهند و ممکن است فیل‌های وحشی سرزمین زنگ از آنچه گفتیم خیلی بلندتر باشند و این را به قیاس شاخ آن که دندان گویند و از آنجا آرند توان دانست که وزن دندان صد و پنجاه تا دو بیست من باشد و من دو رطل بغدادی است و هر چند دندان بزرگتر باشد پیکر پیل بزرگتر است...

یک روز عید پرویز برون شده بود و سپاه و عده و سلاح برای او رژه میداد بصف رژه هزار فیل بود و پنجساز هزار سوار نیز بجز پیادگان در اطراف آن بود فیلها در مقابل پرویز بخاک افتادند و سر برنداشتند و خرطوم برنچیدند تا آنرا با کجک کشیدند و فیلبانان با آنها بهندی سخن گفتند و قتی پرویز این بدید تأسف خورد که چرا مزیت فیل داشتن، خاص هنداست و گفت ای کاش فیل هندی نبود و ایرانی بود آنرا با سایر دواب قیاس کنید و بقدر معرفت و ادبی که دارد مزیتش نهید»

۲۰- مسعودی ص ۲۷۳.

۲۱- مؤلف زین الاخبار تعداد پیلان اصطبل خسرو پرویز را ۱۲۰۰ زنجیر ذکر کرده است (ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود گردیزی به مقابله و تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی استاد دانشگاه کابل ص ۳۶).

نقوشی از فیل در دوسوی غارطاق بستان از زمان خسرو موجود است که این حیوانات را در صحنه شکار گاه نشان می‌دهد کسانیکه بر این فیلهاسوارند لباسهایی بتن دارند که باتصاویر پرندگان زینت داده شده است. تصاویر فیلهها مانند سایر حیواناتیکه در شکار گاه مشخص است بنحو ماهرانه‌ای حجاری شده و بقول مرحوم سعید نفیسی (تاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۱۹۴) شاهکاری از سنگتراشی است. ظاهراً فیلهها را برای رم دادن شکار و نیز بار کردن لاشه آنها بشکار گاه آورده‌اند.

در اواخر دوره ساسانیان که بخت از ایرانیان برگشته بود و آنرا هم علمی بود که ذکر آن در اینجا لازم بنظر نمی‌رسد باز هم پیلان جنگی در میدانهای کارزار خودنمایی میکنند، در این جنگها که بین قوای ایرانیان و سپاه تازیان درگیر میشود نقش پیلان در کسب پیروزی چشمگیر تر بنظر می‌آید. و حتی وجود یکی از پیلان سپاه ایران در جنگ پل پیروزی و موفقیت سپاه ایران را در جنگ آسان می‌سازد.

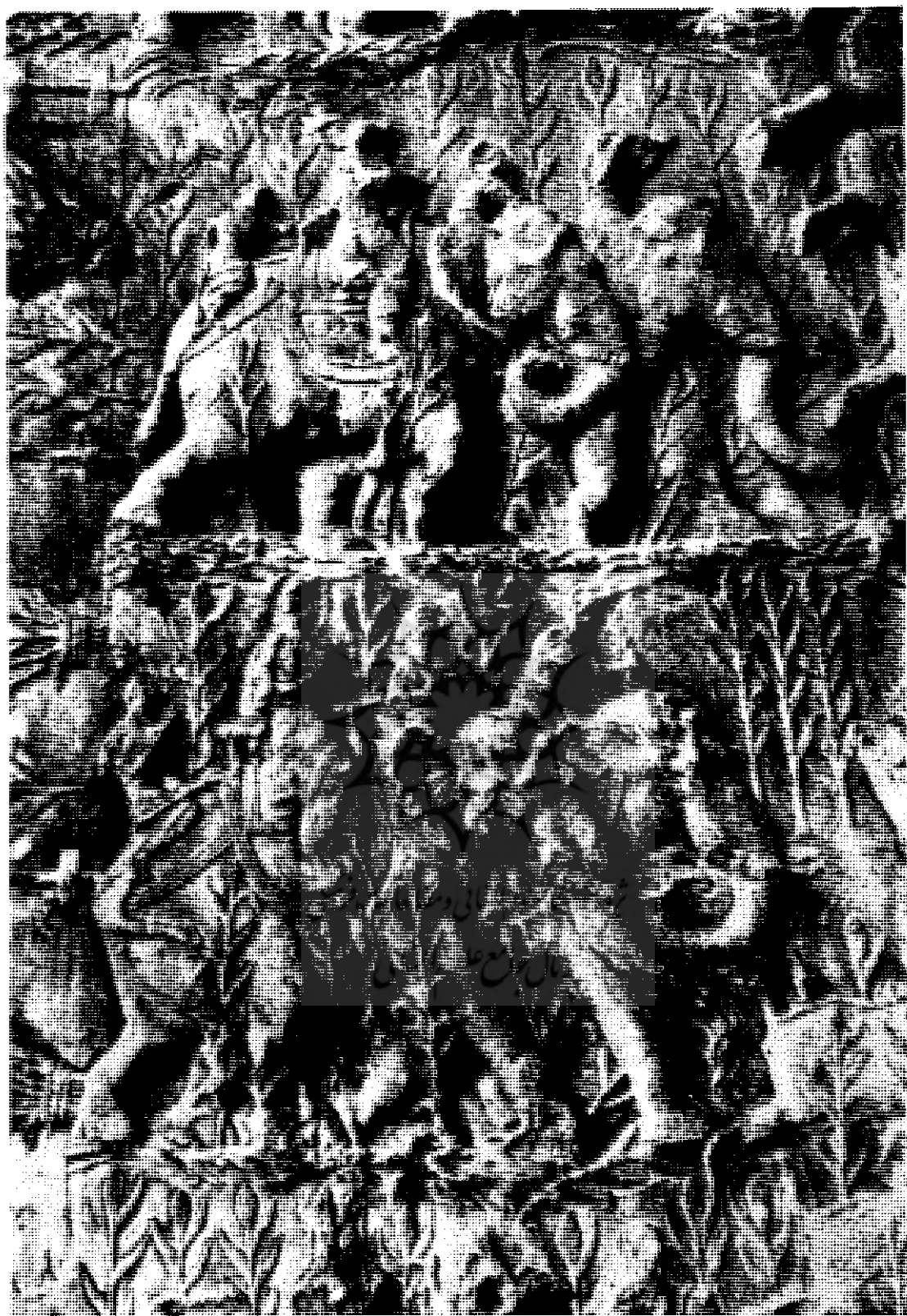
در جنگ پل که عرب بآن یوم الجسر و یا قس الناطف می‌گویند غیر از دلیری و از خود گذشتگی سپاه ایران همانطوریکه ذکر شد پیلای عظیم پیروزی ایرانیانرا تسریع کرد.

الف) کتابخانه مدرسه لعل

احمد بن یحیی بلاذری مؤرخ که اصلاً عرب بوده و در سده دوم و سوم میزیسته و در کتاب خود موسوم به فتوح البلدان مانند دیگر مؤرخان متعصب زمان خود اغلب از ایرانیان آن زمان بنام کافر و مشرک یاد میکنند میگوید: ۲۲ «گویند که چون پارسیان خیر اجتماع تازیانرا شنیدند مردانشاه ابرو بند (ذوالحاجب) را بمقابله ایشان فرستادند **انوشیروان** این سپهسالار را بهمین لقب داده بود و بدان تبرک می‌جست او را از آن باب ابرو بند گفتند که وی ابروان را که از غایت پیری بر چشمانش فرو میریخت به پیشانی میبست ۲۳ و

۲۲- فتوح البلدان ترجمه دکتر آذرتاش، آذرنوش ص ۴۹-۵۰.

۲۳- این مطالب درباره وهرزدیاهی که شرح آن گذشت نیز صدق میکند.



دغوش برجسته فیلان در صحنه کارزار در دوسوی طاق سستان ، که در زمان خسرو پرویز حجاری شده اند

نیز گفته‌اند که نام وی رستم بوده است. ابوعبید^{۲۴} فرمان داد پل را استوار سازند در اینکار مردمان بانقیابویرا یاری کردند گویند که این پل در روز گار پیشین از آن اهل حیره بوده است که بر آن گذشته بر سرملک و مال خویش میرفتند ابوعبید آنرا اصلاح کرد زیرا نا استوار بود و بخشی از آن بریده شده بود آنگاه وی و دیگر مسلمانان که از مروحه آمده بودند بر آن پل گذشتند و به سپاه ابرو بند رسیدند. ابرو بند چهار هزار مرد سلاح پوشیده و یک پیل و به قولی چند پیل داشت. جنگ سختی در گرفت زخمهای فراوان بر پیکرها نشست و مسلمانان ناتوان گشتند سلیط بن قیس گفت: ای ابوعبید ترا از گذشتن بر این پل نهی کردم و اشارت نمودم که نخست سپاه به این ناحیت فرستی و به امیر المؤمنین نامه نویسی و طلب یاری کنی و تو ابا کردی پس سلیط خود بجنگید تا کشته شد.

آن گاه ابوعبید پرسید کشتن گاه این پیل کجاست؟ گفتند خرطوم او. پس خود حمله برد و بر خرطوم پیل ضربه زد ابو محجن بن حبیب ثقفی نیز حمله برد و ضربه بر پای فیل زد و او را برخاک افکند آنگاه مشرکین حمله آوردند ابوعبید در آن حمله به قتل رسید. خدایش رحمت کناد. میگویند که پیل خود را براو افکند و او زیر پای پیل کشته شد.

معهودی مینویسد: ^{۲۵} «عربان فیلان مسلح را به نظر آوردند و چیزی دیدند که هرگز نظیر آنرا ندیده بودند و همگی گریزان شدند و بیشتر از آنچه به شمشیر کشته شدند در فرات غرق شدند. ابوعبید در این روز پیاده جنگ کرد او به فیل نزدیک شد ضربتی به چشم آن زد فیل ابوعبیده را با دست درهم کوفت و مردم به هیجان آمدند.»

سرجان ملکم گوید ^{۲۶}: «گویند ابوعبیده فیلی سفید در مرکز اشکر دیده دانست که ایرانیان را به آن اعتماد است با عزمی ثابت و جاشی رابط

۲۴- ابوعبید ثقفی سردار عرب در جنگ پل - پدر مختار معروف.

۲۵- مروج الذهب ج اول ص ۶۶۵.

۲۶- در معال حال سلاطین ساسانیه ج اول ص ۵۶. (تاریخ ایران - سرجان ملکم).

روی بدان جانور نهاد و با يك ضربت شمشیر خرطوم او را قطع نمود جانور از فرط درد دیوانه وار بر وی تاخت و سرپای او را با يك ضربت دست باخاك یكسان ساخت . « در جنگ قادسیه (در جنوب نجف و در پنج فرسنگی جنوب غربی کوفه) لشکریان ایران تعداد زیادی فیل در اختیار داشتند بلاذری تعداد آنها را سی‌زنجیر نوشته است: « سفرای سعد ورستم آمدند و رفتند ، بادیه- نشین چون به بارگاه رستم رسید وی را بر تخت زرین نشسته دید ، پشتی‌ها و مخده‌های زربفت بر تخت چیده و فرش‌های گلابتون بر زمین طالار گسترده بود ایرانیان همه تاجی بر سر و زیورها برپیکر داشتند . پیلان جنگی در اطراف و کناف آن جایگاه ایستاده بودند » ۲۷

مسعودی در این باره گوید : ۲۸ « شماره مسلمانان هشتاد و هشت هزار بود و مشرکان شصت هزار بودند ۲۹ و فیلان را جلوی صف خود نهاده بودند و مردان سوار فیلان بودند . در جای دیگر گوید جنگ قادسیه در محرم سال چهاردهم هجری بود (سالهای سیزدهم و یازدهم نیز ذکر شده است) در این روز از جمله فیلان هفده فیل که بر هر فیل بیست کس سوار بود وزره آهن و شاخ داشت و به‌دیما و حریر آراسته بود بطرف قوم بجیله رفت و پیاده‌سواره از اطراف پیلان بود سعد چون دید که اسبان و فیلان سوی قوم بجیله رفت کس پیش‌بنی‌اسد فرستاد و فرمان داد تا بجیله را کمک کنند بیست فیل نیز روبه قلب نهاد و طلحه بن خویلد اسدی با سواران بنی اسد به میدان رفت و به مقابله پیلان پرداخت تا آنها را متوقف کرد .

یکی از فرماندهان عرب موسوم به قعقاع بن عمرو رئیس قشون امدادی که از شام رسیده بود بانیزه چشم‌پیل سفیدی را کور کرد و دیگران نیز با فیلها چنین کردند پیلان برگشته و انتظام قوای ایران را از هم گسستند . پس از این واقعه بقول ابن خلدون ۳۰ ایرانیان مصمم شدند که فیلها را از صحنه نبرد خارج سازند

۲۷- رك به تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد برانن ص ۲۹۴ .

۲۸- رك به مروج الذهب ج اول ص ۶۷۰-۶۶۶ .

۲۹- بلاذری تعداد سپاه ایران را یکصد و بیست هزار نفر نوشته است .

۳۰- رك بمقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۵۴۱ .

این تصمیم بمرحله اجرا گذاشته شد و پیلیمانان آنها را باصطبل‌هایشان در مدائن عودت دادند در جنگ قادسیه ابتدا اسبان عرب از دیدن حیوانات کوه-پیکررمیده و راه‌فراز در پیش گرفتند تازیان بناچار از اسبان پیاده شده بجنگ پرداختند و این وضع تازمانیکه اسبها با پیلان خو گرفتند کم و بیش ادامه داشت فرمانده قوای ایران اسپهبد رستم فرخ‌زاد بگفته بعضی از مورخان در کنار پیلای نشسته بود که مرگ او را در ربود «گویند در آن روز رستم در سایه پیلای نشسته بود که آنرا از جوالهای پر از دینار بار کرده بودند یکی از آنها بر او فرو آمد و وی از آن مرد...»^{۳۱} «تازیان که از پیلان جنگی ارتش ایران آسیب فراوان دیده بودند و هنوز واقعه کشته شدن ابو عبید و نابودی هزاران نفر از افراد جنگی خود را در نبرد پیل بخاطر داشتند هر کجا باین حیوان باهوش و زورمند بر میخوردند بدون تأمل بقتلش اقدام می نمودند بلاذری می نویسد^{۳۲} «یحیی بن سلمه بن کهیل حضرمی از مشایخ اهل کوفه روایت کند که چون مسلمین مداین را فتح کردند پیلای در شهر بیافتند پیش از آن هر پیلای را که بدست می آوردند میکشند در امر آن پیل نامه به عمر نوشتند پاسخ داد که اگر خریداری یافتید آنرا بفروشید پس مردی از اهل حیره آنرا بخريد مرد روز گاری چند پیل را تیمار میکرد و بمردم مینمایاند جل‌های زیبا بر او میپوشاند و گرد شهر و دیها میگرددانید روزی ام ایوب زن مغیره بن شعبه^{۳۳} که پس از مرگ وی بسکاح زیاد در آمده بود بدیدن آن پیل رفت و در آن روز که ام ایوب بخانه پدر میرفت مرد

۳۱- رڪ بتاريخ اجتماعى ايران تأليف سعيد نفيسى ص ۲۱۵- در مورد این واقعه یعنی قتل رستم مطالب بسیار گفته شده است بارقاظر یافعی بروی او افتاد و بازوی وی را بشدت مجروح کرد در این موقع عربی قصد جان رستم نمود وی اضطراب را خود را بنهر افکند و از شدت جراحات از حال رفت سر باز تازی که علقمه نام داشت سردار بزرگت را بقتل آورد ...

۳۲- رڪ به كتاب فتوح البلدان ص ۹۳ و ۹۴

۳۳- یکی از امرای عرب و صاحب ابوالولو (فیروز) همانکسی که عمر را کشت ...

آن پیل بیآورد و در برابر در مسجدی که اینک باب الفیل نام دارد بایستادام ایوب در پیل نگر است سپس چیزی بصاحب آن داد و روانه‌شان کرد پیل دوسه گام پیش رفت و ناگهان در افتاد و جان داد! و بدین سبب آن در را باب الفیل خواندند...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی